

فانوس

بسیار عالی

۸۷

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی / شماره هشتاد و هفتم / پاییز ۱۴۰۴

الفب حسین

گفتاری از برادر رحیم آفروش
پیرامون چیستی، چرایی و چگونگی
هیأت کودک





فانوس - در جستجوی هیأت تر از انقلاب اسلامی
شماره هشتاد و هفتم، زمستان ۱۴۰۴

الف ب حسین

گفتاری از برادر رحیم آفروش، پیرامون چیستی، چرایی و چگونگی هیأت کودک
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
به کوشش: هادی مرادی فرهمند
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۰۰۰-۰۰-۰
شمارگان: ۲۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



نشر هیات امروز

انتشارات هیأت امروز

پایگاه اطلاع‌رسانی: heyatemrooz.ir
شبکه‌های اجتماعی: @heyatemrooz_ir
رایانامه: info@1542.y.org



جامعه ایمانی مشعر

قم - کدپستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.1542.y.org

بسم رب العرش العظيم

مقدمه

در مسیر تبیین جایگاه و رسالت هیأت به مثابه نهادی اجتماعی و تربیتی، ضرورت توجه به مخاطبان در تمامی مقاطع سنی به عنوان اصلی انکارناپذیر خودنمایی می‌کند. هیأت کودک در این منظومه، حلقه‌ای اساسی و تعیین کننده به شمار می‌رود که غفلت از آن، نه تنها در پیکره این نهاد، خلل ایجاد می‌کند؛ بلکه تداوم و استمرار جریان معنوی آن را با مخاطره جدی مواجه می‌سازد. این شماره از منشور فانوس، با هدف ترسیم چارچوب‌ها و الزامات این عرصه مهم، از بیانات برادر رحیم آبروش گردآوری و تنظیم شده است.



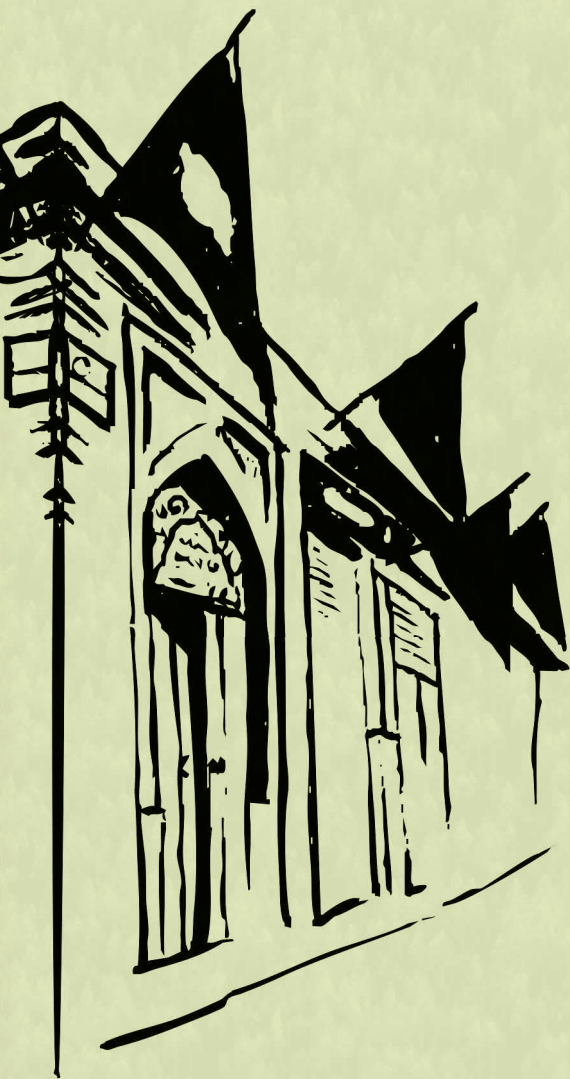
مبانی نظری این نوشتار بر تعریف هیأت به عنوان «اجتماعی مؤمنانه حول تقلین برای احیای امر اهل بیت (علیهم السلام)» استوار گردیده است. از این منظر، هیأت کودک صرفاً یک مهد کودک یا فضای تفریحی موازی نیست؛ بلکه شاخه‌ای اصیل و تخصصی از همان درخت تنومند هیأت است که باید با حفظ اصول و چارچوب‌های اصلی، به نیازهای مخاطب خردسال خود پاسخ گوید. این نگاه، هیأت کودک را از یک برنامه جنبی و فرعی به یکی از ارکان اصلی و آینده‌ساز نهاد هیأت ارتقا می‌دهد؛ بنابراین، برنامه‌ریزی برای آن نیازمند دقت، تخصص و ظرافت فراوان است.

برپایی هیأت کودک، تنها به معنای اختصاص فضایی فیزیکی برای بازی کودکان نیست؛ بلکه ایجاد زیست‌بومی هدفمند و برنامه‌ریزی شده است که در آن، مفاهیم اصیل دینی و عاطفی با زبان و روشی کودکانه انتقال می‌یابد. این فضا باید بتواند هم‌زمان، هم نیازهای روحی و روانی کودک را

پاسخ دهد و هم پیوند عاطفی او را با فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) و شعائر حسینی مستحکم نماید. در این مسیر، نقش مربی آگاه، خلاق و الگوساز، به عنوان کلید موفقیت و عامل تحقق اهداف تربیتی، نقشی بی بدیل و محوری است. کیفیت اجرا و عمق تأثیرگذاری، مستقیماً وابسته به دانش، بینش و هنر مربیان می باشد.

این منشور با آگاهی از همین ضرورت ها و ظرایف، گردآوری شده و سعی دارد تا حد امکان، بایدها و نبایدهای کلان این عرصه را مشخص نماید. امید است این نوشتار، چراغ راهی برای همه خادمان، مدیران و مربیان دلسوزی باشد که آرزوی گسترش فرهنگ ناب هیأت و تضمین آینده ای درخشان برای نسل نو دارند. باشد که با همتی جمعی و عزمی راسخ، شاهد گسترش شبکه ای نورانی از هیأت های کودک در سراسر کشور باشیم و نسل آینده را با برکت این خدمت، نسلی عاشق، آگاه و عامل به ارزش های دینی و انقلابی ببینیم.







بیان مسئله

بحث هیأت کودک از جمله مباحثی است که جامعه ایمانی مشعر، طی هفت تا هشت سال گذشته با جدیت و پیگیری قابل توجهی آن را دنبال کرده است. این توجه مستمر و هدفمند، نشان دهنده اهمیت ویژه این نهاد تربیتی در دیدگاه فعالان این عرصه به شمار می رود. نقطه آغازین این حرکت، بر مقدمات و مبانی محکمی، استوار شده که همگان را به این جایگاه کنونی رهنمون ساخته است.

در این مجال، بخشی از آن مبانی و پیش نیازهای مفهومی بررسی می شود تا درکی روشن از خود پدیده هیأت کودک حاصل آید. همچنین به بخشی از ملزومات شکل گیری این جریان مبارک و نهاد متبرک اشاره خواهد شد و به بایددها و نبایدهای کلیدی این امر اشاره می شود. تکمیل این مباحث تخصصی و ورود به جزئیات و

فرآیندهای مواجهه با کودک، می‌بایست در جلسات اساتید فن و متخصصان این حوزه پیگیری گردد.

نگاه حاکم بر این مسیر، منظر هیأت و هیأتی است و از این زاویه به مسئله نگریسته می‌شود. این رویکرد باعث می‌شود تا به جای پراکنده‌گویی، برویژگی‌ها و اقتضائات یک نهاد هیأتی در مواجهه با مخاطب کودک تمرکز شود؛ بنابراین، تمام تحلیل‌ها و پیشنهادات ارائه شده، رنگ و بوی هیأت و فرهنگ عاشورایی را به خود خواهد داشت. این پرسش اساسی مطرح است که اصلاً چرا هیأت کودک را در نظر داریم و درباره چه موضوعی صحبت می‌کنیم؟ بسیاری ممکن است این واژه را در سال‌های اخیر در قالب‌های مختلفی مانند حسینیۀ کودک، فاطمیه کودک، مهد فاطمی یا مهد حسینی شنیده باشند. این عناوین متعدد، اگرچه ممکن است تصویری کمابیش مشترک در ذهن ایجاد کنند؛ اما بی‌تردید این تصویر با ایده‌آل و وضعیت مطلوب موردنظر، فاصله‌ای جدی دارد؛ بنابراین لازم است کمی دقیق‌تر درباره این پدیده با یکدیگر گفت‌وگو شود.



این نگاه سطحی،
توانایی آشکارکردن
ذات و هویت
واقعی هیأت و ابعاد
عمیق‌تر آن را ندارد.
ماهیت هیأت
چیزی فراتر از یک
گردهمایی موقت
و انجام مناسک
گذراست.

ضرورت بازخوانی مبانی هیأت

در بررسی داستان شکل‌گیری هیأت، مبانی مشخصی وجود دارد که با بازخوانی دقیق آن‌ها، به ناگزیر به نقطه‌ای می‌رسیم که اختصاص بخشی از هیأت به کودکان را ضروری می‌سازد. این بازخوانی ایجاب می‌کند که در ساختار تشکیلاتی هیأت، بخشی مشخص و تعریف‌شده برای کودکان در نظر گرفته شود. پرسش اصلی این جاست که آن نقطه عطف و مبانی نظری که این ضرورت را دیکته می‌کند، دقیقاً در کجا نهفته است.

پاسخ به این پرسش، به اصل تعریف و نگرش نسبت به هیأت بازمی‌گردد. ماهیت هیأت در نگاه ما چیست و آن را چگونه تصور و فرض می‌کنیم؟ درک ما از چیستی هیأت است که حدود و ثغور مأموریت‌ها و مخاطبان آن، از جمله جایگاه کودکان را

تعیین خواهد کرد؛ بنابراین، مبنا و نقطه آغاز، بازتعریف دقیق مفهوم هیأت و اهداف غایی آن است.

تعریف سطحی از هیأت (هیأت به مثابه آیین و مناسک)

آیا هیأت تنها یک مراسم آیینی و مجموعه‌ای از مناسک است که در زمان مشخصی شکل می‌گیرد؟ در این نگاه، جمعیتی گرد هم می‌آیند، اعمال و آدابی را به جای می‌آورند و سپس متفرق می‌شوند و این شکل ظاهری و مراسم، تمام هویت هیأت تلقی می‌گردد. این نگرش، هیأت را صرفاً به مثابه یک مراسم و آیین‌های مشخص در نظر می‌گیرد که در روزهایی از هفته یا مناسبت‌های تقویمی برگزار می‌شود. این تعریف، اگرچه بخشی از واقعیت هیأت را نشان می‌دهد؛ اما آیا هیأت می‌تواند فراتر از این ماهیت و هویت محدود قرار گیرد؟

قطعاً کسانی که تجربه زیسته و دقیقی از امر هیأت دارند و نه نگاه بیرونی و غریبه یک ناظر جامعه‌شناس، با این تعریف محدود موافق نیستند. از منظر فردی که خود در هیأت زندگی کرده و آن را زیسته است، این تعریف ناقص به نظر می‌رسد. این نگاه سطحی، توانایی آشکارکردن ذات و هویت واقعی هیأت و ابعاد عمیق‌تر آن را ندارد. ماهیت هیأت چیزی فراتر از یک گردهمایی موقت و انجام مناسک گذراست.

تعریف عمیق و جامع از هیأت (هیأت به مثابه نهاد اجتماعی مؤمنانه)

هیأت فراتر از صورت ظاهری، دارای باطن و سیرتی عمیق است که پیوندهای اجتماعی مستحکمی را شکل می‌دهد. در این فضا، ارتباطات و روابط ایمانی ویژه‌ای شکل می‌گیرد که برای شرکت‌کنندگان و حاضران در این جمع، هویتی نو و ارزش افزوده‌ای معنوی ایجاد می‌کند. با این نگاه و توجه به عمق هیأت، تعریف دیگری از آن به دست می‌آید. در این منظر، هنگام بازتعریف و تبیین دقیق هیأت برای دیگران، آن را صرفاً به مثابه مراسم، آیین و مناسک در نظر نمی‌گیرند. اگرچه این جنبه‌ها وجود دارد؛ اما تنها کف ماجرا و حداقل امر محسوب می‌شود و نقطه کمال کار نیست.

هنگامی که هیأت به معنای کامل و اکمل خود تعریف شود و به صورت هیأتی جامع، شامل جمیع ابعاد، اضلاع، اجزا و کارکردهای متصور برای آن دیده شود، منظر متفاوتی پیدا می‌کند. پس از مباحثات و مشاوره‌های گسترده و تأمل عمیق اساتید، می‌توان هیأت را اینگونه تعریف کرد: «هیأت، اجتماعی مؤمنانه حول ثقلین برای احیای امر اهل بیت (علیهم‌السلام)». این تعریف دارای سه بخش اصلی و متمایز است: اجتماع مؤمنانه، محوریت ثقلین و هدف احیای امر اهل بیت (علیهم‌السلام).

هر یک از اجزای این تعریف، برای خود دارای عقبه‌ای مستحکم و پشتوانه‌ای از روایات و مبانی دینی است تا این تعریف را تقویت و تحکیم نماید. هر بخش به صورت مجزا بر

هیأت، اجتماعی
مؤمنانه حول
ثقلین برای احیای
امر اهل بیت (علیهم‌السلام).
این تعریف دارای
سه بخش اصلی
و متمایز است:
اجتماع مؤمنانه،
محوریت ثقلین و
هدف احیای امر
اهل بیت (علیهم‌السلام).

پایه‌ای استوار بنا شده که صحت و اتقان این تعریف کلی را تضمین می‌کند. این مبانی نظری، تعریف مذکور را از یک بیان ساده فراتر برده و به آن عمق و اعتبار می‌بخشد.

مهم‌ترین ویژگی‌های تعریف جامع از هیأت

این اجتماع، صرفاً یک گردهمایی معمولی نیست؛ بلکه اجتماعی «مؤمنانه» است. وصف مؤمنانه به ارتباطات و روابط بین افراد حاضر در این جمع اشاره دارد؛ روابطی که باید بر اساس ایمان شکل گرفته باشد. گاهی مؤمنین گرد هم جمع می‌شوند؛ اما ممکن است ارتباطات میان آن‌ها منافقانه یا غیرایمانی باشد. توجه اصلی در این تعریف، معطوف به مجموعه روابط، ارتباطات و تعاملات بین افراد است که بر پایه ایمان استوار گردیده است. این نگاه حتی می‌تواند گسترده شده و غیرمؤمنین را نیز زیر چتر خود قرار دهد؛ مشروط بر این‌که روابط و مواجهه‌ای صحیح و مبتنی بر این اصل برقرار شود.

این اجتماع مؤمنانه، حول محور «ثقلین» شکل می‌گیرد. این محوریت بر اساس روایت مشهور «لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْصِ»^۱ استوار است که بر جدایی ناپذیری قرآن و عترت تأکید می‌ورزد. تمسک به ثقلین، اصل بنیادین و نقطه آغاز شکل‌گیری هیأت محسوب می‌شود و هرگونه انحراف از این محور، انحرافی از اساس و مبنا

۱. ارشاد القلوب، جلد ۱، ص ۱۳۱.

تلقى می‌گردد؛ بنابراین، هویت این اجتماع، در گرو گردش آن حول محور قرآن و عترت است.

بخش سوم و اساسی این تعریف، «احیای امر اهل بیت (علیهم‌السلام)» است. امر اهل بیت (علیهم‌السلام) منحصر به بکاء، ابکاء، روضه‌خوانی و سینه‌زنی نیست؛ اگرچه این موارد نیز بخشی از آن هستند؛ اما تمام آن محسوب نمی‌شوند. نباید به برخوردی گزینشی و باور یک بخش و انکار بخش دیگر برخورد کرد. امر اهل بیت (علیهم‌السلام) مفهومی بسیط و گسترده است که فراتر از عزاداری، شامل مبارزه با ظلم، دستگیری از مستضعفان، مبارزه با فساد، آموزش، رشد و تعالی جمعی، برپایی قسط و عدل می‌شود. در روایات، وقتی از امر اهل بیت (علیهم‌السلام) سؤال می‌شود، به «ولایت ما» تعبیر شده است؛ بنابراین، این امر، مفهومی فراگیر است که همه این ابعاد را در بر می‌گیرد و نباید آن را به معنایی حداقلی تقلیل داد.

توجه اصلی در این تعریف، معطوف به مجموعه روابط، ارتباطات و تعاملات بین افراد است که بر پایه ایمان استوار گردیده است.



هیأت در مقام یک
نهاد اجتماعی،
دارای کارکردهایی
فراشعائری،
فراآیینی و
فراعزاداری است.

ویژگی‌های هیأت حداکثری و اجتماعی

هیأتی که با این تعریف و مبانی معرفی می‌شود، به عرصه‌ای ورود می‌کند که ماهیت آن در این مرحله، «نهاد اجتماعی» است. هیأت به مثابه یک نهاد اجتماعی، دارای قوام، اصول، فروع، ضوابط و قواعد مشخصی است. این نهاد اجتماعی، دربرگیرنده مجموعه‌ای از نیازهای مختلف مخاطب خود بوده و وظیفه پاسخ‌گویی، اقناع و برطرف‌سازی این نیازها را بر عهده دارد. این جایگاه، هیأت را از یک گردهمایی صرفاً آیینی فراتر می‌برد.

هیأت در مقام یک نهاد اجتماعی، دارای کارکردهایی فراشعائری، فراآیینی و فراعزاداری است. کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی متعددی در

ابعاد و اضلاع مختلف این نهاد نمود پیدا می‌نماید. این نگاه جامع، امکان تحلیل و تعامل گسترده‌تری را با پدیده هیأت فراهم می‌سازد.

بخش عمده‌ای از تلاش‌های صورت گرفته، معطوف به تبیین همین ماهیت نهادی و تعریف نسبت هیأت با تمام مسائل پیرامونی آن بوده است. نسبت هیأت با علوم مختلف اجتماعی و انسانی، با اقتصاد، با بخش‌های مختلف جامعه، با نهاد خانواده، با هنر، با رسانه و با سیاست به دقت مورد بررسی و رصد قرار گرفته است. این بررسی‌ها، رابطه نهاد هیأت را با دیگر نهادهای پیرامونی در مراتب مختلف اجتماعی روشن می‌سازد. این دقت نظر حتی تا سطح مبانی اولیه، مانند شکل صحیح نگارش واژه هیأت و همچنین تا سطح کلان، مانند نسبت هیأت با امر حکمرانی، گسترش یافته است.



هیأت از این منظر،
مخاطبی را
برای خود متصور
است که از حیث
سنی یک چرخه
کامل را
در بر می گیرد
و از نظر جنسیتی
نیز باید خانواده را
به صورت یک پارچه
پوشش دهد.

چرخه مخاطب هیأت و جایگاه کودک

در این منظرگاه و با این نگرش، بررسی مخاطبان هیأت و افرادی که از این زیست بوم بهره مند می شوند یا به آن غنا می بخشند، ضروری خواهد بود. این پرسش مطرح است که این هیأت برای چه کسانی برپا می شود و این خیمه برای کدام گروه از مخاطبان اقامه می گردد. باتوجه به مقدمات و مبانی پیشین، به یک چرخه کامل و جامع از مخاطب می رسیم که خود بخش مهمی از همان اصولی است که ضرورت شکل گیری هیأت کودک را ایجاب می کند.

هیأت از این منظر، مخاطبی را برای خود متصور است که از حیث سنی یک چرخه کامل را در بر می گیرد و از نظر جنسیتی نیز باید خانواده را به صورت یک پارچه پوشش دهد. این نهاد باید به بلوغی برسد که بتواند اقشار مختلف جامعه را با تمام تنوعات

فکری، جهت‌گیری‌های سیاسی و سلیقه‌های اجتماعی‌شان مورد خطاب قرار دهد. توانایی گفت‌وگو و ارائه محتوای متناسب با سطح معرفتی، جایگاه اجتماعی و ابعاد شخصیتی هر مخاطب، از ویژگی‌های یک هیأت بالغ است.

در این چرخه جامع مخاطب، با افرادی مواجه می‌شویم که عموماً در برش جوانی به هیأت می‌پیوندند. این سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا هیأت یک کاروان‌سرای موقت است که تنها در چند سال جوانی به فرد خدمات می‌دهد و سپس او از این گذرگاه خارج می‌شود؟ یا بر اساس سنت اصیل هیأت‌ها، این نهاد مکانی برای پرورش پیرغلامان بوده است؛ جایی که افراد در آن رسوب تجربیات و حاصل عمر خویش را انباشته کرده و سالیان متمادی در آن نفس می‌کشیده‌اند؟ پاسخ به این پرسش، جهت‌گیری کلان هیأت را در قبال مخاطب خود مشخص می‌سازد.

طبیعتاً وضعیت مطلوب این است که با سپری شدن دوره جوانی و رسیدن افراد به سنین بالاتر و آستانه ازدواج، هیأت بتواند پاسخ‌گوی نیازهای این مرحله جدید زندگی نیز باشد. ماهیت‌هایی تعریف می‌شوند که به صورت اختصاصی به ارائه آموزش‌های لازم در سه مقطع قبل از ازدواج، حین ازدواج و پس از آن می‌پردازند. این جوانی که در هیأت رشد یافته و اکنون به میان‌سالی رسیده و در آستانه پدر یا مادر شدن قرار دارد، همچنان می‌تواند در دایره مخاطبان این نهاد قرار گیرد.

نمونه‌ای از هیأت با مخاطب خاص

یکی از این ماهیت‌های تخصصی، هیأت مادران باردار است که مخاطبان خاصی را هدف قرار داده و شیوه‌ای ویژه برای برپایی و برگزاری دارد. این هیأت تا روزهای نزدیک به وضع حمل مادر نیز همراه او می‌ماند. گروه‌هایی به‌عنوان مددکار و یاران همراه برای مادران شکل می‌گیرند که یکی از اقدامات آن‌ها، ارائه آموزش‌های لازم در دوران بارداری و تشویق به زایمان طبیعی است. این همراهی در لحظات حساس زایمان نیز تداوم می‌یابد.

شاید یک مادر در شهرستانی دور از خانواده و اقوام خود باشد؛ اما در آن لحظه‌های دشوار، همین خانم‌های متدین و محجبه هیأتی در کنارش حاضر می‌شوند. آنان برای او دعا می‌خوانند، انرژی و روحیه می‌دهند و تا لحظه راهی شدن به اتاق زایمان و به دنیا آمدن نوزاد، او را همراهی می‌کنند. این همراهی، عمق تأثیرگذاری اجتماعی هیأت را در حمایت از اعضای خود در بحرانی‌ترین لحظات زندگی نشان می‌دهد.

■ عهدنامه مادر و کودک

برای تبیین بهتر این چرخه جامع، می‌توان قطعاتی از هیأت‌های مختلف را کنار هم چید. به‌عنوان نمونه، لوحی با عنوان «عهدنامه کودکی» برای نوزادی که در این مسیر به دنیا می‌آید تهیه می‌شد. این عهدنامه، نماد تعهد کودک به تداوم راهی بود که

این همراهی در
لحظات حساس
زایمان نیز تداوم
می‌یابد.

مادرش با اشک چشمانش برای او گشوده بود. کودک عهد می بست که این مسیر را با گام‌های کوچک خود ادامه داده و از آن خارج نشود و به این نگاه، اعتقاد و ایمان پایبند بماند.

این لوح زیبا و کودکانه به مادر تقدیم می‌گردید. در قسمتی از مراسم، پیش از آن‌که حتی اثر انگشت کودک کاملاً شکل گرفته باشد، اثر کف پای او با جوهر بر روی لوح ثبت می‌شد. این لوح قاب شده سپس در اختیار خانواده قرار می‌گرفت و به عنوان بخشی از سیسمونی کودک، در اتاق او نصب می‌گردید. این اقدام، نمادی از ثبت رسمی عضویت کودک در این زیست‌بوم معنوی از نخستین روزهای حیات بود.

این سیر همراهی با ورود کودک به دو سال اول زندگی، با شکل‌گیری هیأت‌های ویژه «مادر و کودک» ادامه می‌یافت. در این دوره، وابستگی متقابل مادر و کودک بسیار زیاد است و مادر نمی‌تواند کودک را رها کند. جلسات هیأت به گونه‌ای طراحی می‌شد که مادران هم‌دغدغه در محیطی گرد هم آیند که در آن، کسی از صدای گریه کودکان ناراحت نمی‌شد. همه حاضران، هم‌شکل و هم‌مسئله بودند. مادران در حالی که کودکان خود را در آغوش داشتند و آرام می‌کردند، از فیض جلسه هیأت نیز بهره‌مند می‌گشتند. منبر و مداحی این جلسات نیز به اقتضای همین فضای خاص و حضور این مخاطبان تنظیم و اجرا می‌شد.

■ نقطه شکل‌گیری هیأت کودک

با بزرگ‌تر شدن تدریجی کودک، پدر و مادر تمایل دارند تا از جلسات اصلی هیأت استفاده نمایند. در این شرایط، ممکن است کودک به دلیل اقتضای سنی خود، صبر و تحمل لازم برای حضور در جلسات بزرگسالان را نداشته باشد. طبیعت کودکانه، مشتمل بر بازی، شیطنت و تحرک است که با یک‌جا نشستن و گوش دادن به مباحث سنگین و رسمی بزرگسالان سازگاری ندارد. این‌جاست که ضرورت هوشمندی مدیر و خادم حکیم هیأت برای ایجاد فضایی مستقل و مناسب برای کودکان آشکار می‌گردد. این نقطه، همان نقطه آغازین شکل‌گیری هیأت کودک است. با این حال، ریشه‌های این ایده به مراحل بسیار قبل‌تر بازمی‌گردد. این مسیر شاید از همان دوره آموزش‌های پیش از ازدواج آغاز شده باشد یا به زمانی مربوط شود که هیأت با درایت خاص، از دوران بارداری مادران، برای جذب اعضا برنامه‌ریزی کرده است. حتی می‌توان آن را به دوران هیأت مادر و کودک و جشن‌های تولدی مرتبط دانست که برای کودکی برگزار می‌شد که روزی با هیأت پیوندی معنوی برقرار کرده بود.

این حرکت هوشمندانه هیأت در راه‌اندازی هیأت مادر و کودک، در حساس‌ترین و عاطفی‌ترین دوره زندگی یک زن صورت می‌پذیرد. در این دوران، بدون در نظر گرفتن اعتقادات یا ظاهر فرد، فطرت پاک و آن ودیعه الهی که در وجود او نهاده شده، به

این حرکت
هوشمندانه هیأت
در راه‌اندازی هیأت
مادر و کودک، در
حساس‌ترین و
عاطفی‌ترین دوره
زندگی یک زن
صورت می‌پذیرد.

جنبش درمی‌آید. او برای به‌سلامت گذاشتن این امانت بر زمین، به هر تکیه‌گاهی متوسل می‌شود. این موقعیتی بی‌نظیر برای جذب دل‌های پاکی است که فطرتاً زنده هستند، حتی اگر در مواردی دچار خطا شده باشند. این افراد جذب می‌شوند؛ اما همان‌گونه که قرآن اشاره می‌فرماید، گاهی پس از رسیدن کشتی به ساحل آرامش، برخی از همان مسافران که در اوج طوفان به درگاه خدا متوسل شده بودند، دوباره دچار غفلت می‌شوند. باین‌حال، آن لوح عهدنامه که در خانه وجود دارد، همچنان به‌عنوان کورسوی امیدی برای اتصال مجدد و تداوم این پیوند معنوی باقی می‌ماند.





ضرورت واضطرار برپایی هیأت کودک

در چنین چرخه جامعه‌ای از مخاطب که پیش از تولد تا کهن‌سالی را در بر می‌گیرد، آیا ممکن است هیأتی به‌درستی اداره شود؛ اما به ضرورت و نیاز برپایی هیأت کودک پی نبرده باشد؟ این امر محال به نظر می‌رسد. منطق این چرخه کامل، به صورت ذاتی و گریزناپذیر، وجود فضایی اختصاصی برای کودکان را ایجاب می‌کند. غفلت از این رکن، به منزله نادیده گرفتن حلقه‌ای اساسی از زنجیره تربیتی و اجتماعی این نهاد است.

به هیأتی که بر اساس آن مبانی جامع و نگاه همه‌جانبه شکل گرفته، در جهت پر کردن شکاف‌های اجتماعی و ایجاد انسجام و وحدت حرکت می‌کند. هدف چنین نهادی، ایجاد همدلی و تقویت پیوندهای اجتماعی است، نه ایجاد شکاف یا خراش در چهره جامعه؛ بنابراین، توجه به کودک به‌عنوان عضوی از این جامعه بزرگ، نه تنها یک انتخاب؛ بلکه یک ضرورت انکارناپذیر برای تحقق همین اهداف عالی است.

غفلت از این رکن، به منزله نادیده گرفتن حلقه‌ای اساسی از زنجیره تربیتی و اجتماعی این نهاد است.



مفهوم هیأت خانواده بنیان

در چنین هیأتی، واحد مخاطب، فرد به تنهایی نیست؛ بلکه «خانواده» به عنوان یک کل در نظر گرفته می شود. در تعریف هیأت جامع و حداکثری که به مثابه یک نهاد اجتماعی کامل تصویر می شود، هسته اصلی شکل دهنده، نهاد خانواده است. این نگرش، بنیاد سیاست گذاری و برنامه ریزی را دگرگون می سازد. زمانی که مدیران، سیاست گزاران و خادمان هیأت با این منظر به هیأت بنگرند، تمامی برنامه های آنان متحول شده و ماهیتی کاملاً متفاوت به خود می گیرد.

هیأت خانواده بنیان، حتی در مقیاس کوچک خانگی خود، برای پذیرایی و میزبانی از یک خانواده به صورت یک پارچه برنامه ریزی می کند. در این نگاه، خانواده با تمامی اعضا و ابعادش، مخاطب واحد هیأت قرار می گیرد. برنامه ریزی ها، محتوای ارائه شده،

شیوه پذیرایی، روش‌های تبلیغ و اطلاع‌رسانی، فضا سازی، محتوای منبر، سبک مداحی و تمامی اجزا و بخش‌های تشکیل‌دهنده مراسم، همگی با یک هدف طراحی می‌شوند: پاسخ‌گویی به نیازهای جامع یک خانواده. این مفهوم عمیق، خود نیازمند بحث و بررسی مفصلی است.



این نگرش، بنیاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را دگرگون می‌سازد.

آسیب‌شناسی هیأت‌های ضدکودک

در چنین نگرش جامعی، مواجهه با پدیده هیأت در برهه حساس حضور کودکان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. متأسفانه بسیاری از هیأت‌ها، مساجد و نهادهای دینی، این فرصت طلایی برای جذب و تربیت نسل آینده را به‌درستی درک نکرده‌اند. اگرچه در سال‌های اخیر، خدا را شاکریم که شمار زیادی از هیأت‌ها، مساجد و حسینیه‌ها این ضرورت را فهمیده و برای آن برنامه‌ریزی کرده‌اند و امروز شاهد صدها هیأت کودک و بخش تخصصی کودکان در سطح کشور هستیم.

با این وجود، در طول این سال‌ها، مساجد و هیأت‌های بسیاری مشاهده شده‌اند که اساساً برای حضور کودکان مناسب نبوده‌اند. این فضاها نه تنها دوستدار کودک نبوده‌اند؛ بلکه می‌توان آن‌ها را «ضد کودک» توصیف کرد. تصویر مسجد یا امام‌زاده‌ای

که یک میرغضب بازنشسته با چهره‌ای اخم‌آلود و چوب‌دستی، با نگاهی خصومت‌آمیز به کودکانی که نزدیک درب می‌شوند، خاطره‌ای آشنا برای بسیاری است. در بسیاری مواقع، هنگامی که صدای کودکان یا گریه نوزادی در فضای مسجد یا هیأت بلند می‌شود، به جای استقبال از مادری که با مجاهدت و ایثار، کودک خود را به آغوش کشیده و در جلسه حاضر شده، با ناراحتی و اعتراض حاضرین مواجه می‌شود. به جای تشکر و قدردانی از این حضور پرزحمت، با اخم و تشر، او را از فضای معنوی هیأت می‌رانند. این صحنه‌های تلخ، نمونه‌های عینی از هیأت‌های ضدکودک است که مانع گسترش دایره مخاطبان این نهاد معنوی می‌شوند.

این فضاها نه تنها
دوستدار کودک
نبوده‌اند؛ بلکه
می‌توان آن‌ها
را «ضد کودک»
توصیف کرد.



کودک، نشان حیات مسجد و هیأت

متأسفانه، غالباً توجه نمی‌شود که اگر کودکان از فضاهای مذهبی مانند مساجد و هیأت‌ها رانده شوند، حیات خود این جریان معنوی به خطر خواهد افتاد. هیأتی که در آن صدای کودکان به گوش نرسد، در حقیقت زنگ پایان حیات آن به صدا درآمده است. اگرچه امروز ممکن است این صدا به وضوح شنیده نشود؛ اما فردایی خواهد آمد که دیگر کار از کار گذشته است و فرصت‌ها از دست رفته است. حیات و پویایی هیأت را باید در حضور پرنشاط کودکان و صدای آنان جست‌وجو کرد.

لازم است این نگرش نادرست در میان فعالان هیأتی به‌ویژه کسانی که تجربه حضور کودکان را داشته‌اند، اصلاح گردد. هیأت‌هایی که طعم مبارک این تجربه را چشیده‌اند، باید آن را برای دیگران بازگو کنند. اگر شیرینی این حضور را دریافته‌اید، باید این نعمت

هیأتی که در آن
صدای کودکان به
گوش نرسد، در
حقیقت زنگ پایان
حیات آن به صدا
درآمده است.

را به دیگران نیز گسترش دهید. سخن ما همچنین متوجه هیأت‌هایی است که تاکنون این توفیق را به دست نیاورده‌اند.

ای خادمان هیأت که اکنون این پیام را دریافت می‌کنید، جای بسی تأسف است که سال‌ها به خادمی سیدالشهدا علیه السلام پردازید، سال‌ها روضه حضرت علی اصغر و رقیه بخوانید؛ اما فضایی برای نسل آینده فراهم نکرده باشید. اکنون زمان اراده است. برای اولین مناسبت پیش‌رو، با توکل بر خدا و با یاری دوستان، قدم بردارید. حتی همین محتوایی که مشاهده می‌کنید نیز می‌تواند نقطه شروعی برای برپایی هیأت کودک باشد.



این فضای
اختصاصی، به طور
هم‌زمان هم نیاز
کودکان به تحرک
و بازی را پاسخ
می‌گوید و هم اجازه
می‌دهد والدین با
آرامش خاطر در
برنامه‌های اصلی
هیأت شرکت کنند.

حضور خانواده و کودک در هیأت؛ فرصت یا تهدید؟!

با درک این جوانب، مدیر هوشمند هیأت به این ظرافت می‌اندیشد که چگونه می‌توان زمینه‌ای فراهم نمود تا حضور کودکان که ممکن است به دلیل بی‌تدبیری به تهدیدی برای نظم جلسه تبدیل شوند، به فرصتی برای تضمین تداوم حیات هیأت مبدل گردد. دغدغه اصلی این است که کودکان ممکن است آرامش و نظم جلسه رسمی را بر هم زنند، موجب مزاحمت برای بزرگسالان شوند یا مانع تمرکز والدین بر منبر، قرآن و مداحی گردند. اما آیا راه حل، خارج کردن و ممنوعیت ورود کودکان است؟ از سوی دیگر، اگر بخواهید کودکان را جذب هیأت نمایید و تداوم حرکت هیأت را تضمین کنید، چه باید کرد؟ باید در نظر داشت که بسیاری از والدین، به دلیل همین محدودیت‌ها از حضور در هیأت محروم می‌شوند. وقتی برای آسایش بزرگ‌ترها،

کودکان منع می‌شوند، عملاً حضور این پدران و مادران در هیأت با مشکل مواجه می‌شود. آنان ترجیح می‌دهند در جلسات بعدی اصلاً در هیأت حاضر نشوند تا این دردسر و ناراحتی را تحمل نکنند. راه حل اساسی، فراهم کردن فضایی مستقل و مناسب برای کودکان است.

این فضای اختصاصی، به طور هم‌زمان هم نیاز کودکان به تحرک و بازی را پاسخ می‌گوید و هم اجازه می‌دهد والدین با آرامش خاطر در برنامه‌های اصلی هیأت شرکت کنند. بدین ترتیب، خانواده به عنوان یک واحد، مخاطب هیأت قرار می‌گیرد و هیچ یک از اعضا به دلیل حضور دیگری دچار محرومیت نمی‌شوند. این راهکار، حضور نسل آینده در هیأت را نیز تضمین می‌نماید.



ضرورت آموزش و تخصص در مدیریت هیأت کودک

فراهم کردن فضایی مناسب برای حضور کودکان، مستلزم کسب دانش و تخصص لازم در این زمینه است. مدیریت هیأت، به‌ویژه با تعریفی که آن را یک نهاد اجتماعی جامع می‌داند، امری ساده و پیش‌پاافتاده نیست. این مدیریت، متکفل هدایت جان‌ها و نفوس انسان‌ها و مسئولیت جمعیتی است که روح خود را در اختیار این فضا قرار می‌دهند. هنگامی که این مسئولیت خطیر، به‌صورت تخصصی معطوف به حوزه کودک گردد، نیازمند آموزش، مطالعه، آمادگی و تدارک کافی است.

پرسش‌های بنیادینی در این مسیر مطرح می‌شود: کودک کیست و برنامه‌ریزی برای کدام گروه سنی باید انجام پذیرد؟ محدوده سنی شرکت‌کنندگان چگونه تعریف می‌شود و آیا می‌توان دختران و پسران را در کنار هم قرار داد؟ از چه سنی باید جداسازی

صورت پذیرد و حضور مادران تا چه زمانی ضروری است؟ قواعد و ضوابط دورکردن تدریجی کودک از مادر چیست و مادر در چه فاصله‌ای از جلسه‌ای که کودکش را به امانت سپرده، باید قرار گیرد؟ نوع پذیرایی، مکان برگزاری و تمامی این ظرایف، نیازمند مذاقه و بررسی دقیق است.

هیأت کودک برای خود دارای مختصات، شأن، جایگاه، ضوابط و قواعد مشخص و منحصر به فردی است. این نهاد را نمی‌توان با معیارهای هیأت بزرگسالان اداره کرد. هر یک از این جوانب، در موفقیت و تأثیرگذاری هیأت کودک نقش بسزایی ایفا می‌کند و بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند به جای ایجاد جذابیت، موجب دوری کودکان از فضای معنوی هیأت گردد.

هیأت کودک
برای خود دارای
مختصات، شأن،
جایگاه، ضوابط و
قواعد مشخص
و منحصر به فردی
است.

خطرات جداسازی کامل هیأت کودک از هیأت اصلی

در این مسیر باید با دقت بسیار عمل کرد. بسیاری از افراد، مدیون خاطرات شیرین کودکی خود در هیأت‌ها، امام‌زاده‌ها و دسته‌های عزاداری هستند؛ روزهایی که در آن‌ها می‌دویدند و گاهی با اخم و تشر بزرگ‌ترها مواجه می‌شدند؛ اما همین تجربیات، به خاطراتی تبدیل شد که سال‌ها بعد، مایه انس و الفت آنان با این فضاها گردید. این خاطرات نقش بی‌بدیلی در تداوم ارتباط نسل‌ها با فرهنگ عاشورایی ایفا کرده‌اند. از سوی دیگر، باید مراقب بود که به بهانه برپایی هیأت کودک، پای کودکان را از مجلس اصلی امام حسین (علیه السلام) کوتاه نکنیم. ایجاد فضایی کاملاً منقطع و جدا از جلسه اصلی هیأت که امکان شکل‌گیری خاطره حضور مستقیم در فضای روضه و سینه‌زنی

را از کودکان سلب کند، خطایی استراتژیک محسوب می‌شود. این رویکرد، آنان را از درک اصالت و حال و هوای واقعی یک مجلس عزاداری محروم می‌سازد. بنابراین، باید از دو انحراف اجتناب کرد: یکی نگرش انکاری که می‌پرسد «هیأت بزرگسال را با کودکان چه کار؟» و به کلی حضور آنان را نادیده می‌گیرد و دیگری نگرش تفکیک مطلق که کودکان را به طور کامل از محیط اصلی هیأت جدا می‌سازد. راه صحیح، یافتن تعادلی منطقی است که نه افراط کند و نه تفریط. این تعادل باید هم امکان بهره‌مندی کودکان از فضای اصیل هیأت را فراهم آورد و هم شرایطی متناسب با سن آنان ایجاد نماید.

راه صحیح،
یافتن تعادلی
منطقی است که
نه افراط کند
و نه تفریط.



لزوم حفظ پیوند کودک با فضای هیأت

محیطی که به عنوان هیأت کودک تدارک دیده می شود، باید تاحدامکان با فضای اصلی هیأت قرابت و پیوند داشته باشد. این مکان، بسته به محدودیت ها و امکانات موجود، می تواند در مکان های مختلفی برپا گردد. در موقعیت ایده آل، مانند یک مسجد یا حسینیه وسیع، فضای هیأت کودک در مجاورت مستقیم جلسه اصلی قرار می گیرد تا کودکان بتوانند حال و هوای هیأت، نوای روضه و صدای مداح را به وضوح درک کنند.

گاهی اوقات به دلیل محدودیت های فیزیکی، این امکان وجود ندارد و هیأت کودک در فاصله ای از جلسه اصلی برگزار می شود. در چنین شرایطی، باید برنامه ریزی دقیقی صورت پذیرد تا کودکان تنها برای بخشی از زمان در فضای اختصاصی خود باشند.



برنامه باید به گونه ای طراحی شود که این کودکان به همراه مربیان خود، در زمان های مشخص و به شکلی برنامه ریزی شده، در هیأت اصلی حضور یابند.

این اصل را باید با دقت مورد توجه قرار داد که جلسه هیأت کودک به هیچ وجه نباید از جلسه اصلی هیأت منفک و منقطع گردد. هرگونه جدایی کامل، موجب ازدست دادن بخشی از آثار و برکات طبیعی این جلسه برای کودکان خواهد شد. حضور هدفمند و مدیریت شده در فضای اصلی، به تدریج کودکان را با فرهنگ و حال و هوای اصیل هیأت مأنوس می سازد.





کرامت و جایگاه ویژه مادر در هیأت کودک

این اصل مهم، درباره اتاق مادر و کودک نیز صادق است و باید به طور جداگانه به آن پرداخت. در دورانی که قصد داریم مادرانی را همراه با نوزادانشان در هیأت بپذیریم، ایجاد فضایی امن برای آنان امری بسیار مبارک است. هیأت‌هایی که از امکانات لازم برخوردارند، می‌توانند علاوه بر هیأت کودک، چنین محیطی را نیز فراهم نمایند. این اقدام، نشان‌دهنده بلوغ فکری و احترام نهاد هیأت به تمامی زوایای نیاز مخاطبان خود است.

نکته ظریف در این جا، حفظ پیوند معنوی این فضا با جلسه اصلی هیأت است. محیط اتاق مادر و کودک نباید به گونه‌ای باشد که صدای روضه و فضای معنوی جلسه به گوش آنان نرسد. پیشنهاد می‌شود اگر هیأت امکان آن را دارد، فضایی امن، تمیز و با

طراحی مناسب برای این منظور اختصاص دهد. این فضا باید مجهز به امکانات اولیه مانند میز تعویض پوشک، صندلی راحت برای شیردهی و حتی کمدی حاوی اقلام ضروری مانند پوشک در سایزهای مختلف، شیرخشک و مواد غذایی مغذی باشد. وجود امکاناتی مانند دستگاه چای ساز یا وسیله ای برای گرم کردن غذای کودک نیز می تواند کمک بزرگی محسوب شود. ضمناً باید با نصب بلندگوهایی با صدای ملایم، امکان بهره مندی این مادران و کودکان از برکات جلسه اصلی فراهم گردد. هنگامی که مادران چنین فضای محترمانه و دلسوزانه ای را تجربه می کنند، احساس می کنند که مدیران هیأت آنان را دیده اند و برای رفع نیازهایشان تلاش کرده اند. این اقدام، قدردانی عملی از جهاد و ایثارگری آنان در مسیر حفظ پیوند خانواده با هیأت است.

محیط اتاق مادر
و کودک نباید
به گونه ای باشد
که صدای روضه
و فضای معنوی
جلسه به گوش
آنان نرسد.



هیأت کودک یا محل نگهداری کودک؟!

نکته مشترک و تأکید مجدد این است که این محیط نباید به طور کامل از فضای هیأت منفک گردد. با توجه به جغرافیا و معماری فضای هیأت، اگر این محیط بخشی از فضای اصلی باشد، حالت ایده آل محقق شده است. در صورت عدم امکان، حداقل باید در مجاورت هیأت قرار گیرد و صدای جلسه اصلی به گونه ای در آن بازتاب یابد. این اصل باید در هیأت کودک به دقت رعایت شود تا کودکان در طول مدت هیأت، تنها در فضای اختصاصی نمانند؛ بلکه بخشی از زمان را به صورت برنامه ریزی شده و با همراهی مربیان در جلسه اصلی حضور یابند.

آیا هدف از تشکیل هیأت کودک، تنها دور کردن کودکان برای آسایش بزرگسالان است؟ این نگرش، اشتباه ترین برداشت ممکن از هیأت کودک به شمار می رود. متأسفانه در

بازدید از بسیاری هیأت‌ها، این صحنه مشاهده شده که هیأت کودک به محیطی وسیع و مجهز به امکانات بازی مانند استخر توپ تقلیل یافته است. در این رویکرد، کودکان صرفاً در یک پارک بازی رها می‌شوند تا والدینشان بتوانند در آرامش در جلسه شرکت کنند.

این خطای اساسی، عملاً برنامه هیأت کودک را از مسیر اصلی خود خارج ساخته است. در چنین شرایطی، نه تنها کودکان از برکات محیط هیأت محروم می‌مانند؛ بلکه ممکن است آسیب‌های رفتاری یا تربیتی به وجود آید که جبران آن در آینده، هزینه‌ها و سختی‌های فراوانی را برای هیأت به همراه خواهد داشت. هیأت کودک باید محیطی هدفمند و برنامه‌محور باشد؛ نه صرفاً یک مهدکودک یا پارک بازی موقت.

آیا هدف از تشکیل
هیأت کودک، تنها
دور کردن کودکان
برای آسایش
بزرگسالان است؟
این نگرش،
اشتباه‌ترین
برداشت ممکن
از هیأت کودک به
شمار می‌رود.



لزوم مربی محوری (تخصص و آموزش مربیان کودک)

اگر قرار است محیطی را به هیأت کودک اختصاص دهیم، قطعاً این فضا باید برنامه‌ای مربی محور و تحت نظارت مسئولان و خادمانی باشد که حداقل توانایی اداره کودکان را دارا هستند. این افراد باید همواره در پی کسب آموزش‌های لازم، رشد و ارتقای مهارت‌های خود برای مواجهه صحیح با کودکان باشند. درک درستی از ماهیت کودکی و تسلط بر اصول کلان تربیت کودک، از ضروریات این مسیر است.

مربیان باید بدانند در هر مقطع سنی چه محتوایی را می‌توان به کودک ارائه داد و از بیان مطالب سنگین و نامناسب، حتی به بهانه تحریک عواطف یا آشنا کردن کودکان با مفاهیم مذهبی، جداً پرهیز کنند. توجه به آسیب‌های روحی و روانی که ممکن



است از این طریق به کودک وارد آید، نکته‌ای بسیار حیاتی است. برنامه هیأت کودک نیازمند طراحی دقیق‌تر، متنوع‌تر و تخصصی‌تری نسبت به هیأت بزرگسالان است. هیأت کودک از مکان‌های ویژه و پربرکت این نهاد است. جالب است که هنگامی این کار به درستی انجام پذیرد، شاهد جذب نذرها و توجهات ویژه مردم خواهیم بود. بسیاری از خادمان تجربیات معنوی عمیقی از این فضا نقل می‌کنند. این محیط به واسطه معصومیت و پاکی کودکان، فضایی لطیف و نزدیک به آسمان خلق می‌کند. اگر به درستی عمل شود، هیأت کودک می‌تواند بسیاری از کاستی‌های دیگر بخش‌ها را جبران نموده و کل زیست‌بوم هیأت را تحت تأثیر برکات خود قرار دهد.

مربی‌ان باید بدانند
در هر مقطع سنی
چه محتوایی را
می‌توان به کودک
ارائه داد و از بیان
مطالب سنگین
و نامناسب،
حتی به بهانه
تحریک عواطف یا
آشناکردن کودکان
با مفاهیم مذهبی،
جداً پرهیز کنند.



طراحی سناریو، برنامه ریزی دقیق و متناسب ویژه هیأت کودک

در این مرحله، بحث برنامه ریزی برای هیأت کودک مطرح می شود. برنامه هیأت کودک می تواند برای یک دهه محرم طراحی شود یا به صورت هفتگی ادامه یابد که هر کدام قواعد خاص خود را دارند. دغدغه اصلی فراتر از این موارد است و بر تداوم و استمرار فعالیت تأکید دارد. این دعوت به همه هیأت هاست که ظرفیت بی نظیر کودکان را تنها به شب های خاص محدود نکنند.

حیف است که این مخاطبان وفادار فقط در ایام خاصی مانند دهه محرم یا شب های جمعه در اختیار هیأت باشند. بسیاری از خانواده ها به دلیل علاقه فرزندانشان، حتی هیأت سنتی خود را رها کرده و به هیأتی می پیوندند که برای کودکانشان برنامه دارد؛

بنابراین، دعوت ویژه این است که هیأت‌های دارای هیأت کودک، این حرکت را تداوم بخشیده و در طول سال گسترش دهند.

ایجاد یک مهدکودک رسمی با محوریت ثقلین در طول سال، نه تنها جنبه کارآفرینی و اقتصادی دارد؛ بلکه مهم‌تر از آن، ضمانت تحقق زحمات هیأت است. چنین فضایی باعث تثبیت الفت کودکان با هیأت می‌شود و این انس به تدریج به مودت، محبت، معرفت و در نهایت اطاعت تبدیل می‌گردد. این مسیر، ضمانتی برای تداوم حیات دینی نسل آینده است.

برنامه‌ریزی برای هیأت کودک نیازمند سناریوی مشخص و خلاقانه است. مربی هیأت باید با رعایت اصول علمی مواجهه با کودکان، از روش‌هایی مانند بازی که متناسب با سن کودک است، استفاده نماید. این برنامه‌ریزی باید متناسب با مناسبت‌های مختلف مانند ایام فاطمیه یا محرم، متفاوت و هدفمند باشد. هنر اصلی در ایجاد پیوند بین سنت هیأت و اصول آموزشی روز است. در همین نقطه است که امر هیأت کودک به طور کامل تجلی یافته و نورانیت خود را آشکار می‌سازد.

هنر اصلی در ایجاد
پیوند بین سنت
هیأت و اصول
آموزشی روز است.
در همین نقطه
است که امر هیأت
کودک به طور
کامل تجلی یافته
و نورانیت خود را
آشکار می‌سازد.

تنوع و ابتکار در ابزار و محتوای هیأت کودک

در این فرآیند و در قالب ایجاد نسبت مناسب با کودکان، ابتکارات و خلاقیت‌های مربیان می‌تواند منجر به تولید دانشی ارزشمند و انباشته گردد. این گنجینه تجربی که در بستر هیأت‌ها شکل می‌گیرد، دارای چنان ارزش منحصر به فردی است که در جای دیگری نمی‌توان آن را یافت. این دانش عملی، حاصل سال‌ها تجربه مستقیم و مواجهه خلاق با مخاطبان کودک در فضایی معنوی است.

برای اداره یک جلسه یک تا یک و نیم‌ساعته هیأت کودک، باید از انواع ابزار و شیوه‌های متنوع به فراخور شرایط، زمان و مناسبت استفاده نمود. بخشی از این برنامه به انواع بازی‌های حرکتی، زمینی، هوشی و نشسته اختصاص می‌یابد. بخش دیگر شامل قصه‌گویی، پرده‌خوانی، نقالی و مشارکت فعال خود کودکان است. محتوای ارائه

شده باید متناسب با موضوعات مطرح شده در هیأت بزرگسالان باشد، به گونه ای که روزه و منبر هر شب، به زبانی کودکانه و با در نظر گرفتن تمام ظرایف روان شناختی، برای کودکان بازگو شود.

این برنامه ریزی نیازمند یک چیدمان هوشمندانه و منسجم است. زمان جلسه به بخش های مختلفی از جمله بازی، شعرخوانی، حفظ شعر، قصه گویی و گاهی پخش فیلم تقسیم می شود. مربی از میان این منوی گسترده و متنوع، بر اساس مخاطب، نیازهای آنان، امکانات موجود و توانمندی های خود، انتخاب و چیدمان مناسبی را برای هر شب ارائه می دهد. محتوای هر شب نباید منفک از شب های قبل و بعد باشد؛ بلکه باید یک منظومه آموزشی منسجم را برای کودکان شکل دهد.

هیأت کودک نیز نباید از هیأت نوجوان و بزرگسال کاملاً جدا باشد؛ بلکه باید به عنوان حلقه ای از یک زنجیره تربیتی به هم پیوسته در نظر گرفته شود. همه این دقایق و ظرایف، از نسبت سنجی محتوا تا تداوم برنامه ریزی، نیازمند دقت و توجه بسیار است تا هیأت کودک بتواند به اهداف غایی خود دست یابد. این جامع نگری است که به برنامه ریزی هیأت کودک عمق و تأثیرگذاری می بخشد.

این گنجینه تجربی
که در بستر هیأت ها
شکل می گیرد،
دارای چنان ارزش
منحصربه فردی
است که در جای
دیگری نمی توان آن
را یافت.

تفاوت هیأت کودک با مهدکودک‌های عادی، ظرایف و دقت‌ها

نکته مهم و اساسی این است که این محفل، یک «مهد حسینی» و «هیأت کودک» است که با مهدکودک‌های معمولی تفاوت‌های ماهوی و جدی دارد. اگر به این تفاوت‌ها دقت نشود، ممکن است به اشتباه، روش‌ها و اصولی به کار گرفته شود که با شأن قرآن، اهل بیت (علیهم‌السلام) و آداب هیأت ناسازگار است. در این فضا، هر عنصر باید با حساسیت و دقت ویژه‌ای انتخاب و اجرا گردد.

در این محیط، رفتار، پوشش و عمل مربی، تأثیر بسیار بیشتری نسبت به سخنان و گفته‌های او بر کودکان دارد. کودکان به طور مستقیم از اعمال و منش مربی الگوبرداری می‌کنند. خاطره‌ای از سال‌های پیش گویای این تأثیر عمیق است: کودکی

که دکمه یقه پیراهنش را می‌بست و مورد شوخی اطرافیان قرار می‌گرفت، در پاسخ اشاره کرد که در کلیپی از شهادت شهید مطهری، این رفتار را دیده است. این کودک، به دلیل عشق و محبتی که به شهید مطهری پیدا کرده بود، رفتار ظاهری او را تقلید می‌کرد. این اتفاق به وضوح نشان می‌دهد که چگونه یک عمل ساده و به ظاهر کوچک یک الگو، می‌تواند عمیقاً در ذهن و رفتار یک کودک نقش ببندد؛ بنابراین، مربی در هیأت کودک، یک الگوی زنده و مجسم برای کودکان محسوب می‌شود که کوچک‌ترین حرکات و سکنات او می‌تواند پیامی ماندگار را به مخاطبان خردسالش انتقال دهد.

اهمیت مدیریت فضا، پوشش و رفتار مربی

یک مربی باید همواره به رفتار و پوشش خود توجه ویژه‌ای داشته باشد؛ چراکه این موارد به صورت غیرمستقیم و عمیقی بر کودکان تأثیر می‌گذارد. برای مثال، یک مربی خانم با حجاب کامل و متین، بدون نیاز به سخنرانی مستقیم، می‌تواند مفهوم حجاب و عفاف را در ناخودآگاه کودکان نهادینه کند.

کودکان به طور طبیعی به مربیان خود علاقه‌مند شده و از آنان الگوبرداری می‌کنند. هنگامی که کودکی، مربی محببه و عفیف خود را دوست دارد، به طور ناخودآگاه تمایل پیدا می‌کند تا مانند او باشد. این تأثیرپذیری غیرمستقیم، بسیار کارآمدتر

مربی در هیأت کودک، یک الگوی زنده و مجسم برای کودکان محسوب می‌شود که کوچک‌ترین حرکات و سکنات او می‌تواند پیامی ماندگار را به مخاطبان خردسالش انتقال دهد.

و ماندگارتر از آموزش‌های مستقیم و شفاهی است. همین اصل در مورد رفتار و کنش‌های مربی نیز صادق است.

این دقت نظر تنها به پوشش و رفتار محدود نمی‌شود؛ بلکه در انتخاب ابتکارات، خلاقیت‌ها و بازی‌ها نیز باید اعمال گردد. هر بازی یا فعالیتی که در هیأت کودک ارائه می‌شود، باید با شأن هیأت و ارزش‌های اسلامی همخوانی کامل داشته باشد. این هماهنگی در تمامی اجزا، از فضاسازی تا محتوای برنامه، باعث می‌شود کودکان در محیطی رشد یابند که تمامی عناصر آن، پیام‌آور فرهنگ اهل بیتی باشد.

ورود ناخودآگاه الگوهای غربی در تربیت کودک

یکی از چالش‌های مهم در هیأت کودک، جلوگیری از نفوذ ناخودآگاه الگوهای غربی در تربیت کودکان است. به عنوان نمونه، پدیده نقاشی و رنگ‌آمیزی روی صورت کودکان که گاه به عنوان میکاپ کودکانه معرفی می‌شود، از جمله این موارد است. ریشه این اقدام در فلسفه بدن در غرب قرار دارد که در نهایت به تاتو و خال‌کوبی‌های عجیب منجر می‌شود. مشروعیت بخشی و عادی‌سازی چنین مفاهیمی در دوران کودکی، می‌تواند تبعات منفی گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

این در حالی است که چنین روش‌هایی هیچ مبنا و منشأ محکم و درستی در فرهنگ اصیل اسلامی ندارند. متأسفانه به دلیل رواج این روش‌ها در فضاهای عمومی مانند

پارک‌ها و مهدکودک‌ها، گاهی به صورت ناخواسته در هیأت‌ها نیز تکرار می‌شوند. استفاده نابجا از آهنگ و موسیقی یا پخش کارتون در شبی مانند عاشورا، نمونه‌های دیگری از این ناهماهنگی است. زمانی که کودکان این محتواها را می‌بینند، ناخودآگاه حال و هوای آن‌ها تغییر می‌کند.

این اتفاقات زمانی رخ می‌دهد که شأن و ضوابط هیأت رعایت نشده و خلاقیت لازم برای ارائه برنامه‌های جایگزین به کار گرفته نشده است. در واقع، این روش‌ها نشان‌دهنده عدم توانایی در خلق برنامه‌های اصیل و جذاب مبتنی بر فرهنگ هیأت است. به جای تقلید از الگوهای نامأنوس، باید با ابتکار و خلاقیت، برنامه‌هایی طراحی کرد که هم برای کودکان جذاب باشد و هم با اصول و ارزش‌های هیأت هم‌خوانی کامل داشته باشد.

کودکان به طور
طبیعی به مربیان
خود علاقه‌مند
شده و از آنان
الگوبرداری می‌کنند.



باید به خاطر داشت
که این بخش،
یک بخش جنبی
و فرعی نیست؛
بلکه می‌توان آن را
یکی از اصلی‌ترین
و مؤثرترین
بخش‌های هیأت
محسوب کرد.

جمع‌بندی و دعوت

هیأت کودک یک ضرورت انکارناپذیر است؛ اما ضرورتی که همراه با ظرایف و دقت‌های بسیار می‌باشد. برپایی این نهاد باید با بهترین کیفیت و با رعایت کامل تمام ضوابط و اصول مربوطه انجام پذیرد. این امر، مسئولیتی خطیر است که نیازمند توجه و جدیت فراوان است. کوچک‌ترین سهل‌انگاری می‌تواند به‌جای جذب، موجب دوری کودکان از فضای معنوی هیأت گردد.

از تمامی مدیران هیأت‌هایی که این پیام را دریافت می‌کنند و تاکنون اقدام به این امر نکرده‌اند، دعوت و خواهش می‌شود تا اراده خود را جزم نمایند. از آنانی که این تجربه مبارک را داشته‌اند نیز درخواست می‌شود تا دیگران را در این لذت و برکت شریک

سازند. هیأت‌های کودکان خود را با کیفیت، دقت، همت و جدیت راه‌اندازی و تداوم بخشند.

برای هیأت‌هایی که قبلاً این حرکت را آغاز کرده‌اند، توصیه می‌شود که همواره در جهت ارتقای کیفیت برنامه‌های هیأت کودک خود بکوشند. باید به خاطر داشت که این بخش، یک بخش جنبی و فرعی نیست؛ بلکه می‌توان آن را یکی از اصلی‌ترین و مؤثرترین بخش‌های هیأت محسوب کرد. خدمت به این کودکان معصوم، خدمتی است که آثار آن در آینده جامعه اسلامی نمایان خواهد شد.

امید است که با گسترش این خدمت ارزشمند، هر هیأتی دارای بخش کودک باشد و شبکه نورانی هیأت‌های کودک در سرتاسر کشور گسترش یابد. ان شاءالله به برکت روضه سیدالشهدا علیه السلام و محبت اهل بیت علیهم السلام، هدایت و عاقبت به خیری نسل آینده تضمین گردد و این، آرزویی است که محقق شدن آن نیازمند عزم و تلاش جمعی تمامی دل‌سوزان است.

هیأت کودک؛

تعریف محوری

اجتماع مؤمنانه، حول تقلین برای احیای امر اهل بیت علیهم السلام

اجزای اصلی تعریف

اجتماع مؤمنانه (بر اساس ایمان و روابط بین افراد)

محور تقلین (قرآن و عترت، نقطه آغاز حرکت)

هیأت حداکثری و اجتماعی

هدف: احیای امر اهل بیت علیهم السلام

فراتر از مناسک موقت و فضای فیزیکی

نهاد اجتماعی دارای قوام، اصول و فروع مشخص

کارکردهای فراعضاداری (فرهنگی، اجتماعی، روانی و اقتصادی)

تعریف جامع و عمیق هیأت

ضرورت و
چرایی هیأت
کودک

حلقه
اساسی
زنجیره
تربیت

کودک؛ حلقه اساسی منظومه هیأت و تعیین کننده استمرار آن

ایجاد اخلاص، با غفلت از کودک

حلقه اساسی
زنجیره تربیت

هیأت باید تمام سنین (از تولد تا بزرگسالی) را پوشش دهد

جبران شکاف های اجتماعی و تقویت پیوندهای جامعه

جذب و
تضمین
نسل آینده

لزوم مقابله با
هیأت های ضد کودک

فضاهای نامناسب و برخوردهای خشن برخی مدیران و مسجدی ها

خطر رانده شدن کودکان از فضای مذهبی

حضور کودک، تضمین کننده حیات هیأت در آینده

جلوگیری از تبدیل حضور کودکان به تهدید برای نظم جلسه

مدیریت و الزامات تخصصی هیأت کودک

لزوم تخصص و آموزش مدیران و مربیان

تنوع و ابتکار در ابزار و محتوا

پرهیز از انحرافات

تفاوت هیأت با مهد کودک یا پارک بازی

پرهیز از ورود ناخودآگاه الگوهای
غربی (مانند نقاشی روی صورت)

مراقبت از آسیب های روحی و
روانی (مثل مفاهیم سنگین)

هیأت کودک، امری ساده و پیش پا افتاده نیست

لزوم آمادگی، مطالعه و آموزش کافی در حوزه کودک

مربی؛ الگوی زنده و مجسم (رفتار، پوشش و عمل)

اهمیت رعایت ظرافت ها و ضوابط در برخورد با کودک

نیاز به سناریو و ریز برنامه های دقیق و خلاقانه

استفاده از انواع شیوه ها

انتقال مفاهیم هیأت بزرگسالان به زبان کودکان

محتوا باید با اصول و ارزش های هیأت، هم خوان باشد

چیستی، چرایی و باید و نبایدها

طراحی فضا
و جایگاه
خانواده

نقش
محوری
خانواده

خانواده، واحد مخاطب هیأت جامع است؛ نه صرفاً فرد

هیأت باید به نیازهای خانواده (قبل و بعد از ازدواج) پاسخ دهد

ارائه خدمات به مادران باردار و دوره زایمان

منطق چرخه کامل، وجود فضای اختصاصی برای کودکان را ایجاب می کند

فضای مستقل برای بازی و تحرک کودک

نباید به طور کامل از فضای هیأت اصلی منفک شود

حداقل در مجاورت برای درک حال و هوای روضه باشد

اهمیت حفظ خاطرات شیرین حضور در مجلس اصلی

مکان و فضای
مستقل

حفظ پیوند با
هیأت اصلی

اتاق مادر
و کودک

فضای امن و مجهز برای
مادران و نوزادان

لزوم نصب بلندگو برای شنیدن صدای جلسه اصلی

تجهیزات اولیه (جای تعویض، صندلی راحت و اقام ضروری

هیأت تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأت
الگوی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر^{علیه السلام}
باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد.
هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین
هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...



در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم
برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

که به دنبال ارتباط بیشتر
محتان سیدالشهدا ^{علیه السلام} است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماس
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...



نشر هیات‌امروز

heyatemrooz.ir

@heyatemrooz_ir



۰۲۵ - ۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰

۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲

www.1542.org

info@1542.org

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است